

به عقل - شیخ بود - حیات - خسته نشد

توجهی به مسائل نظامی و سیاسی و عمده مطالعه کردن

یادگیری صحبت - تحول در فن طبر - ارزشی نیرو

سازماندهی - تاج نصیحت کردن بنام
استعداد نیرو

دانش زبانی عقل - کاربرد با فکر و عقل - نه سنت

و هر دانش - در دل نشد و سوال و بحث

و در تصدیق نظم فن و تصدیق قاطع نه فن

حضوریت تک مشورہ = اہل حق حضوریت تک مشورہ

ایمان - تسلیم - رضا - توکل - نصرت - یقین

خشیت و خوفیت - خودسازی - تکالیف

دینی و موقع مناسب انما کردہ خط

تخل کردن فشارها و سختیها روحی و جسمی = آمارہ کردہ

در برابر مشکلات = بحال و شادان شدن

بانتظام بر خود کردن - اطاعت
توجیح

حیدرآباد ختم ندرک در برابر پیشرفت و عیان

بیشتر و ستار ختم - موم اسرار - ندرک اجتهاد

اسباط اطلاع - تا خود خود - باطن و ظاهر خود

بسی با شد - نهالی هدف لریک

وظیفہ مسئول قبل از عہدہ و عہدہ

قبل از عہدہ اعتقاد و نفوس و اعتماد بر رده بالا - مسئول

مکمل بخاندان رده از یک شیرو - قواعد کامل بہ ہر ذرات

انقدر و اسرار - با سبب و نامیدہ کار در یک مسئلہ

مکمل سبب - بہرہ برداری از روحہ شیرو - جلدگیری

از حق بیرونی و تعلق مادی با سبب - ایجاب کنندہ

در شیرو - آئینہ نگاری تک مسئلہ - افضہ اعراض

شیرو و نندہ - شناختن سبب و کیفیت و اسفادہ

فرہنگ شیرو بہر خورد کنند

آماده سازی شیر و قبل از عملیات

برنامه ریزی برای بیان ویژگی های خود -

استفاده نکردن از **فرهنگ** هم نشین شیر و در هنگام

ایجاد به عمل شیر و رفتن ۵ - ایجاد روحانی و لایق

برو - و هیچ حسین و **جنتی** داشتن ابتکار

و **جنتی** و شیر داغتن شیر و درباره اسودم -

به واحد دل شیر و **دکتر** قران و یاد

دادن قران به **بیران** - آماده کننده داشتن

شیر در تمام موقت -

عادت دارد شیر و به مستعد و در سطحی خنثی

عملیات فرماده - استر افرات شیر و به مستعد

- استر افرات در مقابل دشمن قدرت و شرف داشته

هستند و در این شیر و هالی استر افرات و هم شیر

نکات ضعف و قوت شیر

در مورد استر افرات شیر و در بعضی از مسائل و از

قدرت شیر و تکرار در حین عملیات - تفهیم اصل امر است

قبل عملیات

حَدِيثِي لَزْكَفَت وَ حَيْرَانِ عَدَابَتِ مَشْنِ مَسْئَلِ مَثَلِ

و اجمال خود

سَمْعِ - عُدْقَتِ - دَانِسْتَن - خَدَاوَنَدَارِ دَرِي (مَعْرُفَتِ)

نَافِرِ بِلَانَد - دَوْرِي جِسْتَن لَزْ اَصْدَافِ وَ تَبِيضِ

كُونَاغِي
مُصَامَعَه فَارِ وَ فَرْمَانِ اِنْدَانِسْتَن - سَكِينَه قَلْبِ

دَانِسْتَن - رَقْدِ شِيرِ وَ رَفْتَنِج - مَسْئَلِ

رَهِلِ صَدِيقِي وَ بِي آهِ سِيهِ اِحْفَظِ كَسْتِ

رَوَانِ مَشْنِ كَلِ بَانَسْتِ - دَانِسْتَن رُوْحِيهِ اَسْرِي

نگه
نه تَهَقُّوم - وحدت فَرْقانه لاهی - ایجا در بیافقت

و شایسته در سیر وها - ~~مسافت~~ در سیر سیر و

بر قدر کردن - سلسله مراتب اِحوظ کردن

و در آوری اسبوم حیوانا بیست رسید -

دوری جستن و دوری کردن از اخذ و زنگینی

عبیرت رفتن از مسائل نه سئله - مباحث

طاسفامات مسؤل -

خود بین و لغزور شدند - استقلال نداشتنهای موجود

مورد مسئول رده بالا

باید قاری آیین به حرکات ما عنوان رتوب و مسجد و ذکر

وقایع به خود بگیرد - آموزشهای قبل از ^{سازمان} ^{تعمیر} ^{تعمیر} ^{تعمیر}

به نامه ریزی جهت آموزشهای ^{لازم} ^{سببیت} ^{بر آن} ^{عمده}

در رابطه با سازمان در رابطه با ^{سود} ^{در رابطه}

مهمات و در رابطه ^{آموزش} ^{چگونه} ^{سازمان} ^{متن} ^{مهم}

مانند منطقه در ^{تکمیل} ^{کردن} ^{تمام} ^{تجهیزات}

در ^{سود} ^و ^{بر} ^{رنگی} ^{حک} ^{آنها} ^{از} ^{قادی} ^{لحاظ}